

رفاه و تامین اجتماعی در زیر سایه جمهوری اسلامی!

ظاهراً تنها مشکل و مانع باقی مانده در راه تحقق «رفاه» و «تامین اجتماعی»، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نبود وزارتخانه «رفاه و تامین اجتماعی» بود که آن هم به میمنت و مبارکی تاسیس شد و وزیر آن نیز با «تعامل مثبت» میان دولت خاتمی و مجلس هفتم تعیین و در ۲۴ تیرماه، تأیید گردید! قضیه تاسیس «وزارت رفاه و تامین اجتماعی» توسط رژیم جمهوری اسلامی، مثل غالب تشبثات آن نیز شبیه کار شیدانی است که برای فریب عوام الناس «عکس مار» کشیده و ارائه می دهند. لکن فرق قضیه آنجاست که اکثریت عظیم جامعه ما با این شگردهای حکومتگران بخوبی آشنایند و فریب این دقلبازی ها را نمی خورند. ایجاد این وزارت جدید نیز چیزی نیست جز نقشی کزیه بر ایوان خانه ای که پای بست آن ویران است.

صحبت از «رفاه» در جامعه ای که بخش وسیعی از آن را سیاست های همین رژیم محکوم به زندگی در زیر «خط فقر» کرده است بیش از هر چیز به مضحکه می ماند. قوانین و مقرراتی که دولت و مجلس طی سال های گذشته تدوین و تصویب کرده اند، گروه گروه از اقشار زحمتکش را از همان حداقل های موجود تامین اجتماعی نیز - که حاصل چندین دهه از تلاش های و مبارزات توده ها بوده است - به واقع محروم کرده است. نمونه بارز آن خارج کردن کارگران کارگاه های کمتر از پنج نفر از شمول مقررات قانون کار به وسیله مجلس پنجم بوده که دولت و مجلس «اصلاحات» نیز با تهیه و تصویب طرح های مشابهی در باره کارگاه های کمتر از ده نفر و واحدهای صنفی، کار اسلاف خود را در این زمینه تکمیل کردند. علاوه

بر اینها واقعیت های ملموس جامعه امروز ما گواه آن است که یا به دلیل طفره رقتن دولت از ارائه خدماتی که قانونا و عرفا موظف به انجام آنها است و یا به واسطه کمبود امکانات و تاسیسات ضروری در قیاس با رشد جمعیت و نیازها، آن بخش از مزد و حقوق بگیران و اقشار کم درآمد که هنوز مشمول نوعی بیمه و تامین های اجتماعی محسوب می شوند نیز به هیچ وجه از خدمات و حمایت های کافی برخوردار نمی شوند و کیفیت این گونه خدمات اجتماعی نیز مرتباً کاهش می یابد.

اما تاسیس وزارتخانه جدید «رفاه و تامین اجتماعی» بر پایه آنچه که مسئولان دولتی می گویند در جهت ایجاد یک «نظام جامع تامین اجتماعی» است. سابقه بحث مربوط به این «نظام جامع» به برنامه های اقتصادی اول و دوم جمهوری اسلامی و دوران ریاست رفسنجانی بر می گردد. در اینجا مجال بررسی سوابق و مقاصد این امر نیست و تنها می توان اجمالاً اشاره کرد که پس از طرح و آغاز اجرای سیاست معروف «تعدیل اقتصادی» کاهش هزینه ها و خدمات اجتماعی دولت به طور کلی و کاهش و یا حذف یارانه ها (سوبسیدها) به طور ویژه، یکی از محورهای اصلی آن سیاست بوده و هست. بر این اساس اقشار فزاینده ای از کارگران، دهقانان، بیکاران و تهیدستان که توان «انطباق» خود با تبعات تعدیل اقتصادی و یا «قابلیت» کار و اشتغال را ندارند تحت عنوان کلی «اقشار آسیب پذیر» (از جمله اصطلاحاتی که از بانک جهانی برخاسته و در بطن حوزه های علمی و مراکز حکومتی جمهوری اسلامی جای گرفته) طبقه بندی می شوند تا بعداً و در صورت فراهم شدن امکانات زیر «چتر حمایتی» قرار گرفته و از کمک هایی مانند «صدقه» بهره مند شوند. هدف اصلی از بحث ها و طرح های «نظام جامع» بر خلاف عنوان آن، نه گسترش تامین اجتماعی بلکه محدودتر کردن آن و حذف «نان خورهای اضافی» بوده است.

در دوره ریاست جمهوری خاتمی نیز این طرح ها - که در برنامه سوم اقتصادی نیز گنجانده شده بود - همچنان مورد بحث و کشمکش دستجات حکومتی بود. تا سرانجام، مجلس ششم، در آخرین هفته های حیات خود طرحی را با عنوان لایحه «ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی کشور» از تصویب گذراند که در نهایت به تأیید شورای نگهبان رژیم نیز رسید. این قانون که به همراه شعارها و کلی گویی های مرسوم، همان قصد واقعی حذف یارانه ها تحت پوشش «هدفمند کردن یارانه ها» را دنبال می کند در واقع چیز تازه ای در بر ندارد و تنها تازگی آن تاسیس وزارتخانه ای جدید با عنوانی غلط انداز است. ولی آنچه مورد کشمکش جناح های حکومتی که عمدتاً در پیشبرد سیاست اقتصادی جاری همدستان و همراهند در این زمینه بوده چیز دیگری بود.

گذشته از این که دولت خاتمی و مجلس طرفدار آن می خواستند تهیه و تصویب این قانون و ایجاد وزارت «رفاه و تامین اجتماعی» را به منزله حربه ای تبلیغاتی مورد استفاده قرار دهند خواست عمده آنها این بود که از این طریق برخی از نهادها و ارگان های حکومتی را که خارج از حیطه عمل و اختیار دولت هستند، به نحوی زیر کنترل و نظارت آن در آورند. تعدد و پراکندگی مراکز و موسسات مربوط به بیمه و بازنشستگی و تامین های اجتماعی حتی در بین وزارت خانه ها و سازمان های دولتی در دوره رژیم پیشین هم وجود داشته ولی با ایجاد نهادهای موازی و بنیادهای گوناگون در دوران حکومت اسلامی این پراکندگی افزونتر و ملوک الطوائفی رایج در این عرصه هم حاکم شده است. در حال حاضر بیش از ۲۸ سازمان، نهاد، موسسه و یا صندوق در این زمینه وجود دارند که غالب آنها هم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از بودجه دولتی هم بهره مند می شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران